

ادامه مطلب **ایران، روسیه، چین...** از صفحه اول

سال پیش، میهمان دیگری از سرزمین های دوردست، محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری ایران، به آمریکای جنوبی سفر کرد. برای برخی در ایالات متحده، افزایش علاقه کشورهای خارج از این ناحیه به منطقه ای که آمریکا آن را «حیط خلوت» خود تلقی می کند، تهدید کننده است. آنها چنین اقدام هایی را به عنوان نشانه ای از این امر تلقی می کنند که آمریکا در دوره ریاست جمهوری جرج بوش نفوذ خود را در این منطقه از دست داده است. در حقیقت، مناسبات بین المللی آمریکای جنوبی بیشتر از آنچه به نظر می رسد متنوع بوده است، اما در حالی که جهان تغییر می کند، تنوع بیشتری یافته است. برای شماری از کشورهای آمریکای جنوبی، اروپا همیشه حداقل به اندازه آمریکا شریک بازرگانی و سرمایه گذاری مهمی بوده است. تجارت با ژاپن و خاورمیانه در دهه ۱۹۷۰ گسترش یافت و این در حالی بود که اتحاد جماهیر شوروی به پرو اسلحه می فروخت و هم کوبای کمونیست را حفظ می کرد. جستجوی چاوز برای یافتن متحدانی در تند گویی و نبرد سیاسی علیه «امپراتوری» واژه ای که دوست دارد در مورد ایالات متحده بکار ببرد، بود که علاقه روسیه و ایران را برانگیخت. برای روسیه، سیر و گشت کشتی های نیروی دریایی اش در کاراییب، پاسخ متقابل به طرح آمریکا برای استقرار آنتشارهای موشکی در لهستان و اعزام کشتی های نیروی دریایی برای توزیع کمک در گرجستان در پی حمله روسیه به آن کشور است. همین حالت نیز در احیای اخیر مناسبات با کوبا صادق است.

اما مقصود اصلی مدودیف در آمریکای جنوبی تجارت و بازرگانی است. چاوز تاکنون جنگ افزارهایی به ارزش ۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار از روسیه خریده است، از جمله یک کارخانه ساخت تفنگ های کلاشینکف که قرار است از سال ۲۰۱۰ تولید ۵۰ هزار قبضه تفنگ را در سال آغاز کند. ماه پیش گزارش رسید که روسیه قراردادی برای فروش موشک های پدافند هوایی دارای پایگاه پرتاب متحرک با ونزوئلا امضا کرده است. این معامله مقامات کلمبیا را که از آن هراس دارند به طور غیررسمی به چریک های «فارک» فروخته شوند، نگران خواهد ساخت. شرکت های نفت، گاز و معدن روسیه قراردادهایی برای سرمایه گذاری در ونزوئلا امضا کرده اند. چاوز مایل است روس ها یک نیروگاه اتمی در کشورش بسازند.

مدودیف از برازیلیا وارد کاراکاس شد. برزیل به بستن یک قرارداد تسلیحاتی با فرانسه، که موافقت کرده است تکنولوژی ساخت جت جنگنده را در اختیار آن بگذارد، نزدیک است. اما ممکن است هلیکوپترهای روسیه را بخرد و در حال حاضر امکان همکاری با روسیه در فناوری اتمی غیرنظامی و هوایی و فضایی را بررسی می کند. مدودیف در ریودژانیرو گفت امیدوار است میزان داد و ستد میان دو کشور که سال گذشته پنج میلیارد دلار بود به زودی دو برابر شود. شرکت های روسیه به استخراج نفت از منابع برزیل نیز علاقه مند هستند. دولت برزیل، پس از آن که در آغاز، چاوز را به عنوان یک متحد در آغوش گرفت، اخیراً به آرامی در صدد برآمده است نفوذ او را خنثی کند.

به گفته پائولو سوترو، کارشناس برزیل در مرکز پژوهشی وودرو ویلسون در واشنگتن، پیام برزیل به روسیه با دعوت مدودیف این است که «اگر خواهان مناسبات عمده ای با آمریکای جنوبی هستید، آن را با ما داشته باشید.» انگیزه برای علاقه اخیر ایران به آمریکای جنوبی ظاهراً این است که برشمار اندک دوستان دیپلماسی خود در

سراسر جهان بیافزاید، و امتیازات در زمینه تبلیغات علیه ایالات متحده به دست آورد. چاوز دست کم ۲۰۰ قرارداد همکاری با ایران امضا کرده است. مقامات ونزوئلا می گویند ایران بیش از ۷ میلیارد دلار در کشور آنها سرمایه گذاری کرده است، در کارخانه هایی برای مونتاژ اتومبیل، تراکتور، ماشین های کشاورزی، دوچرخه و صنعت نفت، میزان تجارت دو جانبه به ۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسیده است، اما در ارائه این ارقام ممکن است غلو شده باشد. سال پیش اولتیماس نوتیسایس، یک روزنامه طرفدار دولت، گزارش داد تاخیرهای بزرگی در برخی از سرمایه گذاری های ایران صورت گرفته و برخی از مقامات محلی که در آنها درگیر بوده اند رشوه گرفته اند.

به دنبال هوگو چاوز، رئیسان جمهوری سوسیالیست در بولیوی، اکوادور و نیکاراگوئه نیز مناسباتی با ایران برقرار ساخته اند، احمدی نژاد قول داد برابر یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار در توسعه صنعت گاز بولیوی و ۳۵ میلیون دلار برای ساختن بندری در نیکاراگوئه سرمایه گذاری کند. اما نشانه ای که حاکی از عملی شدن این سرمایه گذاری ها باشد به چشم نمی آید.

سلسوآموریم وزیر امور خارجه برزیل، اخیراً به ترهان رفت و دعوتنامه ای از سوی رئیس جمهوری برای سفر به آن کشور به احمدی نژاد تسلیم کرد. از آنجا که ایران هدف تحریم های سازمان ملل متحد قرارداد و برزیل فعالانه، اگر چه بی حاصل، به دنبال یک کرسی در سازمان ملل متحد بوده است، این نامه با شگفتی در برزیل روبرو شد. به گفته لویز فلیپه لامپریا، وزیر سابق امور خارجه، دیدار آمرمیم «توجه ناپذیر» و «بی دلیل» بود.

بلند پروازهای بین المللی ایران، روسیه و ونزوئلا، همه از درآمد نفت تغذیه شده است، بنابراین در برابر سقوط شدید قیمت ها آسیب پذیر است. تغییر بادوام برای آمریکای لاتین روابط نوپای آن با چین است. در اجلاس آپیک که آخرین سفر آقای بوش به خارج بود، هوجیان تاو در کانون توجه بود. رئیس جمهوری پرو او را به مرکز لیمیا برد و بعد هر دو اعلام کردند یک قرار داد تجارت آزاد بین کشورهایشان امضا شده است. این شبیه قراردادی است که چین در سال ۲۰۰۵ با شیلی بست.

مجموع تجارت دو جانبه چین با آمریکای جنوبی از ۱۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به ۱۰۲ میلیارد دلار در سال پیش افزایش یافت. هرچند سرمایه گذاری چین - اکثراً در استخراج معدن و نفت - آرام تر رشد کرده است، اما اینک شتاب می گیرد. ماه پیش چین به عضویت بانک توسعه کشورهای آمریکایی درآمد. اما چین همچنین برخی از مردم کشورهای آمریکای لاتین را مایوس کرد. بعضی از برزیلی ها شکایت می کنند که برزیل مواد خام به چین می فروشد در حالی که فرآورده های ساخته شده از آن می خرد. برزیل ناراحت است که نه روسیه و نه چین هیچکدام در تلاش برای کسب یک کرسی در شورای امنیت به این کشور کمک نکرده اند. همه کشورهای آمریکای جنوبی به طور طبیعی علاقمند هستند مناسبات اقتصادی خود را متنوع کنند و برخی خواهان گسترش پیوندهای سیاسی هستند.

اما اروپا (۲۵۰ میلیارد دلار در سال گذشته) و ایالات متحده با ۵۶۰ میلیارد دلار، همچنان بزرگترین شریکان بازرگانی آمریکای لاتین هستند، رهبری که اکثر سیاستمداران آمریکای جنوبی مشتاق هستند در سال آینده او را ببینند، بارک اوباما است.

ادامه مطلب **یک دختر جوان که بر اثر...** از صفحه اول

عدم رسیدگی فوری و لازم، وی بینایی دو چشم خود را تقریباً از دست داد و جراحات شدیدی نیز به چهره او وارد شد. در این میان، مجید موحدی که پس از این اقدام مخفی شده بود، پس از چند روز خود را به پلیس معرفی کرد و با صراحت به پاشیدن اسید به صورت آمنه بهرامی اعتراف کرد و دلیل آن را پاسخ منفی برای ازدواج با خود اعلام کرد. از سوی



دیگر، با وخیم تر شدن شرایط جسمی و روحی آمنه بهرامی پزشکان توصیه کردند که وی برای معالجه به اسپانیا اعزام شود اما از آنجا که خانواده آمنه بهرامی از پشتوانه مالی لازم برای اعزام وی به اسپانیا و معالجه او در آن کشور برخوردار نبودند، آمنه بهرامی با کمک محمد خاتمی که در آن زمان رئیس جمهوری بود به اسپانیا اعزام گردید اما به دلیل قطع کمک های مالی دولت پس از پایان دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و ناتوانی مالی خانواده اش، مجبور گردید در حالی که چشمان او کاملاً نابینا شده بود به ایران باز گردد. وی در دادگاه در حالی که به شدت می گریست در مورد داستان این دوره از زندگی خود گفت: در اسپانیا غریب و تنها بودم و ده ها عمل جراحی روی صورت و دست های من انجام گرفت و برای نمونه فقط برای ترمیم پلک هایم ۱۷ عمل جراحی صورت گرفت و پدر و مادرم مجبور شدند چوب حراج به زندگی خود بزنند تا بتوانند هزینه درمان مرا تأمین کنند. وی افزود: گرچه مدت ۹ ماه تحت حمایت رئیس جمهور بودم اما پس از آن هیچ حمایتی از من صورت نگرفت. امروز با خاطرات گذشته خود زنده هستم و مدام در کابوس هستم و نمی دانم با شرایطی که دارم چه سرنوشتی در انتظار من است. مجید موحدی نیز در دادگاه در مورد اقدام خود گفت: آمنه بهرامی خودش باعث این ماجرا شد. وی بود که ابتدا از من خواستگاری کرد، بعد من به او دل بسته شدم و به همین دلیل دست به این اقدام زدم که مال من نبود و بتوانم با او ازدواج کنم. وی افزود: اگر آمنه بهرامی به من نگفته بود که نامزد دارم من اصلاً این کار را نمی کردم. من به خاطر آن که نامزد وی را دلزده کنم اقدام به اسیدپاشی کردم تا وی برای همیشه زن من شود. من عاشق او هستم و همچنان می خواهم با او ازدواج کنم. آمنه بهرامی در دادگاه در مورد ازدواج با مجید موحدی گفت: به هیچ وجه حاضر به چنین کاری نیستم و چنین چیزی یک تفکر احقمانه است. مجید موحدی نیز در پایان جلسه دادگاه گفت: من می دانم کار زشتی انجام داده ام اما نیتم خیر بوده است. به گفته آمنه بهرامی، محمود هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضاییه در گفتگویی که با وی داشته است خواستار عدم درخواست قصاص برای مجید موحدی شده و تأکید کرده است که چنین امری واکنش های بسیار منفی برای جمهوری اسلامی ایجاد خواهد کرد، اما او برای اجرای قصاص تأکید داشته است. دادگاه پس از شنیدن سخنان آمنه بهرامی و مجید موحدی، در نهایت تصمیم گرفت که با ریختن ۵ قطره اسید در هر یک از چشمان مجید موحدی حکم قصاص را در مورد وی به اجرا در آورد. هنوز تاریخی برای اجرای این مجازات تعیین نشده است.

ادامه مطلب **اوباما: ایران مشت...** از صفحه اول

که به کشورهای مسلمان داشته، قانع شده است که تمامی مردم جهان بدون توجه به اعتقادات دینی آنان، "آمال و رویاهای مشابهی" دارند. باراک اوباما گفت که "کار من در مورد جهان اسلام انتقال این پیام است که آمریکا دشمن شما نیست، ما گاه مرتکب اشتباه می شویم، و بدون عیب و نقص نیستیم." در مورد مناقشه اعراب و اسرائیل، باراک اوباما اعلام کرد که جان میچل، نماینده ویژه خود در امور خاورمیانه را برای بررسی اوضاع، به منطقه اعزام می کند. رئیس جمهوری آمریکا گفت که احساس می کند لازم است به فوریت به مساله خاورمیانه بپردازد و افزود از آقای میچل خواسته است تا با تمامی طرف های ذیربط در بحران خاورمیانه گفتگو کند.

تاکنون دولت ایالات متحده و بسیاری از کشورهای غربی، همراه با اسرائیل، از گفتگو با جنبش حماس که اداره سرزمین های فلسطینی در غزه را در اختیار گرفته خودداری کرده اند اما معلوم نیست که آیا نماینده اعزامی آقای اوباما در گفتگو با "تمامی طرف های ذیربط" آماده برقرار تماس با این گروه نیز خواهد بود یا نه. آقای اوباما افزود که از جان میچل خواسته تا کار خود را با گوش دادن به نظرات طرف های ذیربط در خاورمیانه آغاز کند و افزود "بسیار اتفاق می افتد که ایالات متحده کار را با تلاش برای تحمیل نظرات خود شروع می کند." باراک اوباما در عین حال تعهد ایالات متحده نسبت به اسرائیل، به عنوان یک متحد مهم، و حق این کشور برای برخورداری از امنیت و دفاع از خود را مورد تأکید قرار داد اما گفت که اسرائیل نیز با گزینه های شمولی مواجه است و دولت وی در نظر دارد تلاش بیشتری کند تا اسرائیل دست به انتخاب مناسب بزند. رئیس جمهوری آمریکا در عین حال گفت "ما نمی توانیم به اسرائیل یا فلسطینیان بگوییم چه چیز برای آنها خوب است اما هر دو طرف ناگزیر خواهند بود دست به تصمیم گیری بزنند." آقای اوباما اظهار داشت که زمان مناسبی است تا اسرائیل و فلسطینیان دریابند که راهی را که در حال حاضر در پیش گرفته اند به رفاه و امنیت مردم آنان منجر نمی شود.

«آمنه بهرامی» که ۳۱ سال دارد و فارغ التحصیل رشته الکترونیک است، با حضور در دادگاهی در تهران خواستار اجرای حکم «قصاص» در مورد «مجید موحدی» همکلاسی سابق خود گردید که پس از شنیدن پاسخ های مکرر منفی وی برای ازدواج با او، با پاشیدن اسید در سال ۱۳۸۳ به صورتش، سوختگی دهشتناک چهره و نابینایی هر دو چشم او شد. آمنه بهرامی که پیش از اسیدپاشی به صورت وی در یک شرکت مهندسی کار می کرد، به علت زیبایی چهره و رفتار انسانی، خواستگارهای متعددی داشت، اما همواره به خانواده خود می گفت تنها با کسی که عاشق او بشود تن به ازدواج خواهد داد.

اما مجید موحدی که اکنون ۲۷ سال دارد و در دانشگاه تهران یکی از همکلاسی های او بود، به این خواسته او توجهی نداشت و دیوانه وار خواستار به دست آوردن آمنه بهرامی بود. این عشق که عقل و هوش را از مجید موحدی گرفته بود، او را وادار به اقدامی کرد که موجب رنجی عظیم برای دختری جوان شد که اکنون با چشمانی نابینا و چهره ای سوخته و از شکل افتاده به آینده نه چندان روشن خود می نگرد. آمنه بهرامی در دادگاهی که اخیراً به منظور محاکمه مجید بهرامی تشکیل شد، در حالی که اشک تمامی صورت او را پوشانده بود گفت: در سن و سالی که من باید لباس عروس بر تن کنم، اکنون در برابر این دادگاه ایستاده ام و خواستار کور شدن چشمان انسان دیگری با ریختن قطرات اسید هستم، اما من این خواسته را صرفاً بدین دلیل دارم که بلا و مصیبتی که بر سرم آمده است، دامنگیر دیگران نشود. آمنه بهرامی زمانی که در دانشگاه تهران سرگرم تحصیل بود بدون آن که آشنایی با محمد بهرامی داشته باشد، به دلیل شرایط نامساعد مالی که مجید موحدی داشت به کمک سایر دوستان خود برای او لباس و سایر مایحتاج تهیه کرده و از مقامات دانشگاه درخواست کرد که این کمک ها را در اختیار او قرار دهند. گرچه آمنه بهرامی و مجید موحدی هرگز با هم سخنی نگفته بودند، اما ظاهراً محبت های انسان دوستانه آمنه بهرامی موجب ایجاد علاقه شدیدی مجید موحد به وی گردید و به همین دلیل مادر مجید موحدی به اصرار وی، با یافتن شماره تلفن منزل آمنه بهرامی درخواست پسر خود را مطرح کرد، اما وی این درخواست را به گونه مودبانه ای رد کرد. مجید موحدی با این پاسخ منفی از خواسته خود دست برداشته و به طور مستقیم با آمنه بهرامی تماس گرفت و با اصرار از وی خواست تا با او ازدواج کند و حتی تهدید کرد در صورت رد درخواستش دست به خودکشی خواهد زد. در این شرایط، در اوایل آبان ماه سال ۱۳۸۳ هنگامی که آمنه بهرامی از محل کار خود در منطقه سیدخندان خارج می شد ناگهان با مجید موحدی که منتظر او بود روبرو شد. مجید موحدی بار دیگر پیشنهاد خود را مطرح کرد اما آمنه بهرامی برای آنکه برای همیشه از دست مجید موحدی رها شود به وی گفت که نامزد کرده و به زودی ازدواج خواهد نمود و او باید فکر ازدواج با وی را از سر خود بیرون کند.

اما مجید موحدی با شنیدن این سخنان، آمنه بهرامی را تهدید به قتل کرد و وی نیز به همین دلیل با مراجعه به پلیس داستان تهدید مجید بهرامی را برای آنان مطرح کرد. اما ۳ روز بعد از این تهدید، عابرنی که از منطقه سیدخندان عبور می کردند با شنیدن فریادهای دلخراش درخواست کمک دختر جوانی که از سوی یک جوان مهاجم با اسید مورد حمله قرار گرفته بود به یاری این دختر شتافتند. این دختر آمنه بهرامی و جوان مهاجم مجید موحدی بود. در همین حال، آمنه بهرامی به کمک مردم به بیمارستانی در همان حوالی منتقل شد، اما بر اثر پاشیده شدن اسید به صورت وی و

ادامه مطلب **آذر نفیسی...** از صفحه ۲۶

همه قرار نمی دهیم» ولی آذر نفیسی، پس از مرگ پدر و مادر خود تصمیم می گیرد که ناگفته های زندگی خود را باز گو کند.

به اعتقاد این گزارشگر نیویورک تایمز که خود شناخت زیادی از فرهنگ ایران دارد و کتاب «آیین های ایرانی» او به گفته کارشناسان یکی از بهترین کتاب هایی است که درباره ایران معاصر نوشته شده. آذر نفیسی با نوشتن دومین کتاب خود «دست به یک انتقامجویی ادبی» از مادر خود زده است. وی در این کتاب از نماینده مجلس شورای ملی شدن مادر خود «زهد نفیسی» می نویسد و این که چگونه «رفتار» وی باعث شد پدر او به زن دیگری روی آورد و سرانجام طلاق این دو نفر از یکدیگر.

کتاب خاطرات آذر نفیسی همراه با عکس هایی از دوران کودکی و خانواده او است عکس هایی که برای او یادآور دوره ای گذشته است. کتاب «آنچه که درباره آن سکوت کرده بودم» را انتشارات «رندوم هاوز» منتشر کرده است.

به گفته وی زندانی شدن پدر «به اتهامی واهی» خانواده او را از مخالفان حکومت پیش از انقلاب کرد. آذر نفیسی در بخش عمده ای از کتاب به روابط احساسی و گاه پیچیده خانواده خود با یکدیگر پرداخته است، رابطه پدر و مادر او با یکدیگر، وی با مادر و پدر و سرانجام ازدواج نخستین او که به طلاق انجامید و دومین ازدواج که ثمره آن دو فرزند است. آذر نفیسی که در ایران، سوئیس و آمریکا تحصیل کرده و در کتاب جدید خود «خواندن لولیتا در تهران» را کامل کرده و آنچه در آن کتاب مطرح نشده بود در این کتاب شرح و بسط داده شده است.

«الن شلینو» نماینده نیویورک تایمز در پاریس نوشتن چنین خاطراتی خصوصی را «یک کار غیرایرانی» می داند و شرح می دهد که اغلب دوستان ایرانی او از گفتن اسرار خانوادگی خود به دیگران ابا دارند به ویژه این که اگر آن شخص یک «غریبه» باشد. زیرا براساس یک ضرب المثل «ما لباس های چرک خود را در معرض دید

پاسخ جدول های سودوکو

۴	۲	۳	۷	۹	۸	۵	۶	۱
۵	۷	۹	۶	۴	۱	۳	۸	۲
۶	۸	۱	۳	۵	۲	۴	۷	۹
۹	۶	۸	۵	۳	۷	۱	۲	۴
۳	۴	۷	۲	۱	۹	۸	۵	۶
۱	۵	۲	۴	۸	۶	۹	۳	۷
۷	۳	۵	۱	۶	۴	۲	۹	۸
۲	۹	۴	۸	۷	۳	۶	۱	۵
۸	۱	۶	۹	۲	۵	۷	۴	۳

۹	۶	۵	۳	۱	۷	۴	۸	۲
۷	۲	۱	۹	۴	۸	۵	۶	۳
۳	۸	۴	۶	۵	۲	۱	۹	۷
۸	۵	۷	۴	۶	۱	۳	۲	۹
۱	۴	۲	۷	۳	۹	۶	۵	۸
۶	۳	۹	۲	۸	۵	۷	۴	۱
۵	۷	۶	۸	۹	۳	۲	۱	۴
۴	۹	۳	۱	۲	۶	۸	۷	۵
۲	۱	۸	۵	۷	۴	۹	۳	۶